

فرصت‌ها، تهدیدها و راه‌کارهای پیش روی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای (۲۰۰۳-۲۰۱۹)

سید رضا شهنازی زاده^۱، گارینه کشیشیان سیرکی^۲، حسن خداوردی^۳، محمدرضا دهشیری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۶

چکیده

در بستر دیپلماسی منطقه‌ای، حوزه انرژی اهمیت ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی دارد؛ به این دلیل که اقتصاد سیاسی منطقه‌ای بر انرژی مبتنی است. در این میان، کشورهای منطقه - به‌ویژه قدرت‌های دارای انرژی مانند ایران، عربستان و امارات متحده عربی - به‌شکل‌های مختلف با اهمیت انرژی در حوزه دیپلماسی خود روبه‌رو هستند و گاهی این نوع دیپلماسی به‌شکل پیشران عمل می‌کند. در این میان سؤال اصلی مقاله این است: «راه‌کارهای پیشروی جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای با تمرکز بر تهدیدها و فرصت‌های بارشده بر مناسبات آن با عربستان و امارات کدام است؟». این سؤال با این فرضیه پاسخ داده شده است که «پیامدهای نگاه امنیتی سازی ایران با عربستان و امارات به موضوع دیپلماسی انرژی، زمینه‌ساز ایجاد روندهایی نامتوازن از بارشدن حجمی از وضعیت‌های تقابلی و تهدیدهای گسترده بر موقعیت‌های تعاملی و فرصت‌های محدود در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای بوده است». حاصل آنکه جمهوری اسلامی با لایه‌هایی از تهدید و فرصت در این بستر روبه‌روست؛ نتیجه آن، غلبه رویکرد تقابلی بر مشی تعاملی آن در روابط با عربستان و امارات در سطح منطقه به‌علت پیگیری رفتار امنیتی‌سازی از سوی این دو کشور علیه ایران بوده است. در این مقاله از روش پژوهش توصیفی مورد محور با مراجعه به آثار و منابع دسته اول کتابخانه‌ای بهره‌گیری شده است.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی؛ انرژی؛ دیپلماسی انرژی؛ خاورمیانه؛ امنیتی‌سازی

^۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

^۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد تهران جنوب دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ایمیل: g.keshishyan71@gmail.com

^۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴. گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه وزارت امور خارجه ایران

۱- مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، ظهور اقتصاد سیاسی بین‌المللی جدید عاملی بود تا انرژی را به یکی از ستون‌های اصلی اتکای این نظام اقتصاد عظیم و جهانی بدل کند. به تدریج روندهای مرتبط با انرژی به یک موضوع کلیدی در سیاست خارجی بدل شد و حتی به ظهور و قدرت‌گیری دیپلماسی انرژی انجامید. این مدل از دیپلماسی به‌ویژه در مناسبات میان دو دسته از بازیگران کلیدی یعنی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی را به نمایش گذاشت. در این میان، خوانش امنیتی از حوزه‌های مرتبط با مناطق، که سطح تحلیل اصلی این مقاله را نیز شکل می‌دهد، باعث شد تا همه بخش‌های مناسبات درون‌منطقه‌ای برای مثال در خاورمیانه، از همین چشم‌انداز امنیتی مورد خوانش قرار گیرد؛ بنابراین مناسبات ناشی از نگاه امنیتی به موضوع دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی خاورمیانه، محور و شاکله اصلی روابط بازیگران داخل این منطقه و نیز قدرت‌هایی شد که این منطقه حضور دارند.

در این مقاله، منظور از اقتصاد سیاسی منطقه‌ای، الگوی تداوم یا بنده اقتصاد سیاسی در سطح منطقه‌ای، اما وابسته به اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر مبنای فهم اولیه از منطقه به‌عنوان مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی بین‌المللی است؛ همچنین زیرمجموعه‌ای است که در کنار دیگر مناطق جهان، الگوی کلان اقتصاد سیاسی بین‌المللی را شکل می‌دهد. در این چارچوب، منطقه در حوزه اقتصاد سیاسی مقدمه ادغام در اقتصاد سیاسی بین‌المللی در نظر گرفته شده است؛ بنابراین در این الگو، شاخص‌های اصلی اقتصاد سیاسی در چارچوب خلیج فارس بر مبنای فاکتورهایی مانند میزان منابع انرژی (نفت و گاز)، اقتصاد رقابتی و غیرمکملی، دیپلماسی انرژی و تحولات قیمت در بازار انرژی، دیپلماسی دلار، کنترل بر خطوط تجاری عرضه نفت به بازار جهانی و بهره‌گیری از منابع درآمدی ناشی از انرژی در حوزه تحولات امنیتی منطقه‌ای اشاره داد.

حال با این مقدمات، هدف پژوهش حاضر بررسی این سؤال است: راه‌کارهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای با تمرکز بر تهدیدها و فرصت‌های بارشده بر مناسبات آن با عربستان و امارات کدام است؟ بر همین اساس، فرضیه مقاله نیز بر این مبناست که «پيامدهای نگاه امنیتی‌سازی ایران با عربستان و امارات به موضوع دیپلماسی انرژی، زمینه‌ساز ایجاد روندهایی نامتوازن از بارشدهن جمعی از وضعیت‌های تقابلی و تهدیدهای گسترده بر موقعیت‌های تعاملی و فرصت‌های محدود در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای بوده است». به همین منظور، از نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای برای فهم نظری این موضوع استفاده می‌شود.

۱- چارچوب نظری

نظریه پیچیده مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در اصل یک نظریه متأخر امنیت در دانش روابط بین‌الملل است که توسط باری بوزان و اوله ویور ساخته و پرداخته شده است (Gupta, 2010: 52). مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان الگوی مشخص و پایدار تعامل امنیتی بین بازیگران تعریف می‌شوند؛ اما مجموعه‌ها از نظر درجه تعامل از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطح تعامل بین اعضای یک مجموعه اگرچه زیاد است، بین اعضای مجموعه‌های مختلف این تعامل نسبتاً پایین

است. در چشم‌انداز این نظریه، نگرانی‌های امنیتی یک بازیگر در درجه اول از همسایگی آنها برمی‌خیزد. در این باره، بوزان و ویور به‌عنوان نمونه به خاورمیانه اشاره می‌کنند؛ جایی که چشم‌انداز امنیتی با وجود پایان یافتن جنگ سرد، هیچ تغییری نداشته است (Buzan and Wæver, 2003).

در بررسی این مسئله ضروری است به سه دیدگاه کلان پیرامون نقش مناطق و جایگاه آن توجه شود. اولاً، بازیگران بین‌المللی در هر سطح و موقعیتی که قرار دارند، دارای رفتارهای مشخصی خواهند بود و بنابراین، سطح منطقه‌ای نیز جایگاه ویژه و جداگانه‌ای نخواهد یافت. ثانیاً، مناطق را به‌صورت جدا از هم فرض نموده و معتقد است که مفروضات و متغیرهای هر منطقه، خاص همان منطقه است و قابل تعمیم و تطبیق به سایر مناطق نیست. ثالثاً، نگاهی میانه و حد وسط به دو دیدگاه قبلی دارد. از نظر این دیدگاه، مناطق دارای سطح تحلیل جداگانه هستند و از سطوح بالاتر و پایین‌تر خود تأثیر پذیرفته‌اند و نیز تأثیرگذار هستند (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۲۷۵ و Buzan & Wæver, 2003: 446 و کالجی و داداندیش، ۱۳۸۹: ۷۹).

دومین ویژگی تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «الگوی دوستی و دشمنی»^۱ میان دولت‌ها^۲ی تشکیل‌دهنده مجموعه است (Buzan & Wæver, 2003: 40-89)؛ بنابراین، وجود الگوی دوستی و دشمنی شرط اساسی برای تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در دیدگاه بوزان است. سومین معیار مجموعه امنیتی منطقه‌ای، مجاورت است. مجاورت به‌عنوان یکی از معیارهای مجموعه امنیتی بدین معناست که مجموعه امنیتی از دولت‌هایی پدید می‌آیند که در مجاورت یکدیگر قرار دارند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

براساس معیار استقلال نسبی و به‌عنوان چهارمین ویژگی، مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که روابط امنیتی، گروهی از کشورها را از سایرین جدا کرده و به یکدیگر پیوند زده است و بر کنش و واکنش‌های درونی شدید امنیتی و کنش و واکنش‌های محدود و ضعیف خارجی حاکم باشد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). مطابق با معیار پنجم، مجموعه امنیتی منطقه‌ای نمی‌تواند توسط تعدادی کشور ضعیف از یک منطقه امکان‌پذیر است (داداندیش و کالجی، ۱۳۸۹: ۸۱). بوزان آخرین مسئله در باره مؤثر و چند کشور ضعیف از یک منطقه امکان‌پذیر است (داداندیش و کالجی، ۱۳۸۹: ۸۱). بوزان آخرین مسئله در باره تعریف ویژگی‌های مجموعه امنیتی را نقش عوامل اقتصادی می‌داند (Buzan, 1991: 202).

اما، با توجه به بحث مقاله، مهم‌ترین بحث مکتب کپنهاگ نظریه «امنیتی ساختن»^۳ است که بیشتر بر پایه معرفت‌شناسی سازه‌نگاری و واقع‌گرایانه قرار گرفته است (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱). ویور و بوزان براساس نظریه امنیتی ساختن، امنیت را نوعی «اقدام گفتاری»^۴ می‌دانند. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که مکتب کپنهاگ زبان را «کارکردی»^۴ می‌داند و از این رو معتقد است که با بیان واژه امنیت، وضعیت سابق تغییر می‌کند. بر همین اساس، ویور نتیجه می‌گیرد که امنیت به‌عنوان نشانه‌ای که به چیز واقعی اشاره دارد نیست؛ بلکه بیان، خود نوعی اقدام و عمل است (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۳). در نهایت، امنیت نه پدیده‌ای عینی و مربوط به خارج بلکه نتیجه فرایند اجتماعی خاص است (Williams,)

¹ Pattern Of Amity And Enmity

² Securitization Theory

³ Speech Act

⁴ Performative

14-513 (2003).

فرایند امنیتی‌ساختن در مکتب کپنهاگ شامل سه مرحله است: (۱) شناسایی تهدیدات اساسی؛ (۲) اقدام اضطراری و فوری؛ (۳) ایجاد تأثیر بر روابط بین واحد (شامل رویه‌های بوروکراتیک نباشده) به وسیله نقض قوانین. امنیتی‌ساختن نیازمند درک از تهدید اصلی، توانایی و قدرت معلق کردن قوانین وضع شده برای پاسخ به تهدیدات و توانایی متقاعد کردن دیگران از احساس خطر و نیاز به نقض قوانین برای بقاست (Javan Shahraki, 2013: 65-66).

الگوی نظری استفاده شده در این رساله، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای است که بر مبنای تمرکز بر مفهوم امنیتی‌سازی در روابط ایران با عربستان و امارات بر مبنای اقتصاد سیاسی منطقه‌ای برای فهم پیوندهای آن‌ها، با تمرکز بر فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی ایران در منطقه استفاده شده است. بر همین اساس، در چارچوب الگوی نظری حاضر بر خلیج فارس تمرکز می‌شود که در چارچوب رویکرد منطقه‌گرایی یک زیرمنطقه در درون خاورمیانه است؛ اما کلیت ویژگی‌های مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نظریه بوزان و ویور را داراست. در مجموع بر مبنای الگوی کلی مجموعه امنیتی آن شامل شاخص‌هایی از قبیل خلیج فارس یک منطقه با الگوی امنیتی خاص خود است؛ این منطقه با این الگوی امنیتی کاملاً قابل تشخیص از سایر مناطق است؛ بازیگران این مجموعه در الگوی امنیتی خود به شدت به همدیگر وابسته هستند؛ در این مجموعه، الگوهای دوستی و دشمنی مشخصی میان بازیگران کلیدی (ایران، عربستان و امارت) و دیگر بازیگران وجود دارد؛ و سرانجام، در این مجموعه بازیگران قوی‌ای مانند ایران و عربستان نقش اصلی را بازی می‌کنند.

۲- نقش دیپلماسی انرژی در ایجاد تعامل و تقابل میان ایران و عربستان و امارات

نخست: ژئوپلیتیک انرژی ایران به این کشور قدرت مانور گسترده‌ای داده است که با توجه به کنترل بر جزایر سه‌گانه جنوبی (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) و نیز کنترل بر گلوگاه اصلی انرژی جهانی، یعنی تنگه هرمز، عاملی برای تقویت جایگاه ایران در حوزه انرژی بوده است (Haynes, JULY 23, 2019). ایران موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیک خود در حوزه تنگه هرمز را از ۲۰۰۳ به این سو تقویت و توسعه داده است. این جایگاه ژئوپلیتیکی به لحاظ تاریخی ایران را به عامل و وزنه تعامل‌بخشی در سطح منطقه‌ای بدل کرده است و حتی زمینه را برای ایفای نقش تقابلی ایران در منطقه نیز فراهم آورده است؛ بنابراین ایران با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی، ایجاد تهدیدها در حوزه انرژی در صورت احساس فشار بر خود (به مانند وضعیت تحریمی)، بهره‌گیری از گروه‌های نیابتی (در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت)، برای اعمال فشار بر بازار انرژی استفاده می‌کند (Reed, Jan, 2020: 7). ایران برای نشان دادن مشی تقابلی خود، که بر مبنای منافع انرژی آن قابل تعریف است، برای نشان دادن جایگاه و کنترل خود بر تنگه هرمز، در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹ یک کشتی بزرگ نفت‌کش انگلیسی را برای مدتی توقیف کرد (Letzing, 29 Jul 2019).

دوم: ایران به عنوان یک قدرت کلیدی منطقه‌ای، تا حدود زیادی مشی تقابلی و تهاجمی خود را معطوف به عملکرد گروه‌های نیابتی کرده است. این گروه‌های نیابتی در حوزه دیپلماسی انرژی ایران در چارچوب رویکرد تقابلی فعال بوده و زمینه را برای دگرگونی در سیاست‌های انرژی کشورهای منطقه‌ای علیه ایران فراهم کرده‌اند (Haaretz, Sep 15, 2019).

2019). نمونه موردی از این سیاست تقابلی را باید در حمله ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ حوثی‌های یمن به صنایع نفتی آرامکو در عربستان سعودی دانست که خسارت سنگینی بر این کشور تحمیل کرد (DiPaola, October 14, 2019). این اقدام به افزایش قیمت نفت منجر شد و حتی باعث ایجاد شوک امنیتی در حوزه انرژی خلیج فارس شد.

سوم: ایران از وابستگی جهانی به نفت خاورمیانه آگاه است و به‌خوبی از قدرت تقابلی در موضوع دیپلماسی انرژی برای فشار بر کشورهای منطقه‌ای بهره می‌برد. تقاضای نفت در اروپا در سال ۲۰۰۵ به اوج خود رسید؛ اما اقتصاد آن به شدت به واردات نفت وابسته است که بیش از ۸۵ درصد از مصرف نفت منطقه را تشکیل می‌دهد. اروپا تقریباً یک سوم از نفت خود را از روسیه دریافت می‌کند و بخش بزرگی از مصارف خود را نیز از خاورمیانه دریافت می‌کند. ژاپن منابع نفت ندارد و به واردات نفت خام از خاورمیانه بسیار وابسته است (Jaffe, October 29, 2019).

در سطحی دیگر، پیگیری دیپلماسی انرژی نیازمند ایجاد زیرساخت‌هایی است که امکان مشارکت و همکاری چندین بازیگر را امکان‌پذیر می‌کند (مادسن، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در همین باره و باتوجه به موضوع مقاله، در نگاه به دیپلماسی انرژی به‌عنوان پایه‌ای برای گسترش بازرگانی و تعامل از طریق ارتقای سطح روابط دیپلماتیک، وابستگی متقابل پیچیده به‌عنوان ابزاری برای پیدا کردن راه‌حل‌های مشترک برای مسائل جهانی ظاهر می‌شود. در عرصه منطقه‌ای، دیپلماسی انرژی ایجاب می‌کند تا اقدامات ویژه‌ای برای شکل دادن به روابط مناسب و رو به پیشرفت با کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک که از نظر ژئوپلیتیک انرژی اهمیت دارد، صورت بگیرد (پورا احمدی، ۱۳۸۸).

براساس گزارش چشم‌انداز انرژی ۲۰۱۴ آژانس بین‌المللی انرژی، تقاضای جهانی گاز طبیعی رو به افزایش است. براساس این گزارش، سهم گاز طبیعی در ترکیب انرژی مصرفی جهان از ۲۱ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۲۴ درصد در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید. در نتیجه، جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن منابع عظیم گاز طبیعی و موقعیت ژئوپلیتیکی می‌تواند از این فرصت استفاده کند و بازارهای عمده واردکنندگان گاز جهان را در اختیار بگیرد؛ زیرا در کانون واردکنندگان عمده گاز جهان قرار دارد (عالیشاهی و سالاروند، ۱۳۹۵: ۲۱).

ایران با این حجم از گاز طبیعی و نیز نزدیکی به قطر و کویت (دارنده گاز) و دوستی با ترکیه (خریدار اصلی گاز ایران) و نیز اروپا (که تلاش برای دورزدن تحریم‌ها و خرید انرژی از ایران را دارد)، می‌تواند زمینه را برای تعامل منطقه‌ای با حضور کشورهای تولیدکننده اصلی و نیز کشورهای خریدار آن فراهم نماید و نیز پیوند میان تهران و آنکارا در کنار دوحه را در مقابل عربستان تقویت کند. ایران تا سال ۲۰۲۶ با ترکیه قرارداد تأمین گاز دارد و گران‌تر از سایرین گاز را به ترکیه می‌فروشد؛ ولی آنکارا ترجیح می‌دهد به دلیل کیفیت گاز ایران و سهولت نقل و انتقال آن، این معامله را به هم نزد (قهرمان‌پور، ۱۳۹۷).

این امر که ایران تلاش دارد تا مناسبات دیپلماتیک را با عربستان به شکل محترمانه حفظ کند، مانع این امر نیست که برای وادار کردن این کشور و دیگر کشورهای منطقه به تعامل با خود، از ابزار کنترل استراتژیک بر تنگه هرمز بهره گیرد. این بدان معناست که ایران مانند اتفاقی که در حمله به آرامکو افتاد (فارغ از اینکه حوثی‌ها این اقدام را انجام داده‌اند) و نیز باتوجه به بیانات مقامات کشور در عرصه‌های مختلف، بر این موضع پافشاری کند که درآمد حاصل از فروش نفت و

انتقال آن از تنگه هرمز یا برای همه باشد و یا برای هیچ‌کس (Aljazeera, 30 Sep 2019). افزایش هزینه‌های کشورهای منطقه در منزوی کردن ایران می‌تواند آنها را به تعامل ناخواسته با ایران وادارد.

۳- تهاتر و سوآپ به‌عنوان راه‌کاری کلیدی در حوزه انرژی در وضعیت جاری

۳-۱ سوآپ

سوآپ یک مفهوم در حوزه ادبیات مالی است؛ اما به حوزه انرژی نیز کشیده شده است (Annex, 2019). در حوزه مبادله کالا، قرارداد سوآپ یا معاوضه یا تاخت نوعی از ابزار مشتقه است که در آن یک طرف قرارداد نسبت به معاوضه عواید ناشی از ابزار مالی خود با عواید ناشی از ابزار مالی طرف مقابل اقدام می‌کند (Westerfield, 2010: 746).

نقش ایران به‌عنوان بازار نهایی نفت آسیای مرکزی و مکانی برای ترانزیت آن، باتوجه به ثبات و امنیت کشورمان، سوژه جذابی است که می‌توان دایره عمل لازم را در زمانی که تحریم‌ها با هدف از بین بردن این مزیت‌ها اعمال شده است، بار آورد. این مزیت، شرایطی را برای دیپلماسی انرژی فراهم آورده است و از همین‌رو، ایران یکی از مسیرهای مطمئن ترانزیت انرژی به شمار می‌آید؛ به‌ویژه اگر برحلقه پیونددهنده کشور از شمال یا دریای خزر به جنوب یا خلیج فارس اشاره شود که مورد توجه کشورهای آسیای مرکزی است؛ بنابراین تجارت نفت و گاز در ایران تنها محدود به فروش سوخت‌های فسیلی نمی‌شود و برگ برنده ایران استفاده از فرصت ترانزیتی است که در اقتصاد انرژی به سوآپ نفت و گاز مشهور است (ابریشمی و دیگران، ۱۳۹۷).

ایران به‌عنوان حلقه ارتباط بین دریای خزر و بازارهای خلیج فارس، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای شمالی محصور در خشکی ارزانی داشته است. این ارتباط کوتاه‌ترین، سریع‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر را از منطقه خزر، آسیای مرکزی به بازارهای جهانی شامل شبه‌قاره هند، ژاپن و خاور دور فراهم می‌کند (آدمی و نظریان، ۱۳۹۴). در عین حال، یکی دیگر از مراکز کلیدی برای انجام عملیات سوآپ با عراق است. در سال ۲۰۱۸، جبار اللعیبی وزیر نفت عراق به رویترز گفته بود که عراق در حدود ۳۰،۰۰۰ بشکه در روز نفت خام در مرحله اول به پالایشگاه کرمانشاه ایران انتقال می‌دهد. این انتقال نفت به ایران طبق توافق سوآپ صورت گرفته است که با هدف انتقال نفت کرکوک به ایران انجام می‌گیرد و به ۶۰ هزار بشکه نفت در روز نیز در همان ابتدا افزایش می‌یافت؛ پس از آن، نفت پالایش شده به جنوب عراق، از ایران تحویل داده می‌شد (Reuters, JANUARY 7, 2018).

به‌طورکلی، ایران در قراردادهای سوآپ نفت خام با کشورهای مختلف، به‌ویژه منطقه آسیای مرکزی و عراق می‌تواند دو نقش معاوضه‌گر و خریدار - فروشنده را ایفا کند. همچنین، سوآپ نفت خام می‌تواند به دو صورت حجمی و ارزشی اجرا شود. در روش حجمی کیفیت نفت دو کشور در نظر گرفته نمی‌شود و در روش ارزشی این کیفیت لحاظ می‌شود (ابریشمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۵۹). در ایفای این نقش مزایایی وجود دارد که عبارت است از:

۳-۲ تهاتر

تهاتر^۱ به معنای مبادله کالا با کالا یا مبادله پایاپای کالا بین دو کشور است (معین، ۱۳۷۵). کشورها عموماً وقتی به گزینه تهاتر روی می‌آورند که مشکلات اقتصادی در برقراری ارتباط با طرف‌های تجاری خود داشته باشند. در این روش، شناسایی کالاهایی که امکان این نوع معامله را دارند، شفاف‌سازی در مبادلات، کشف ارزش واقعی کالاهای مورد معامله و همسان‌سازی ارزش واقعی آن‌ها از مواردی است که در جایگزینی معامله پایاپای به جای ارز به آن باید توجه داشت (قاسمی، ۳ مهر ۱۳۹۷)؛ بنابراین، چگونگی تنظیم و استفاده از روش تهاتر در تجارت در وضعیت تحریمی اهمیت زیادی دارد.

ایده تهاتری به شکل کالا به کالا و نیز با طلا، حتی مورد توجه رهبران دیگر کشورها، مانند ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر مالزی نیز قرار گرفته است؛ او از ایجاد یک حلقه ارتباطی تهاتری میان ترکیه، مالزی، ایران و قطر در سال ۲۰۱۹ خبر داده بود؛ امری که با تقویت روابط تجاری دو طرف در حال پیگیری است (Parameswaran, January 04, 2020). دلیل این توجه، نخست اهمیت تقویت روابط درونی کشورهای دوست است و دیگری نیز بهره‌گیری اقتصادی از منافع و منابع موجود برای کشور ایران و نیز منافع اقتصادی تجارت تهاتری برای ترکیه و مالزی است. تجارت تهاتری راه‌کاری است که می‌تواند در این وضعیت جریان تجارت کشور در حوزه صادرات و واردات را حفظ کند و از هرگونه تضعیف بیشتر اقتصاد کشور جلوگیری کند. در همین دوران، با تشدید تحریم‌ها علیه ایران، جمهوری اسلامی با روش‌های پیچیده، به‌ویژه تهاتری توانسته است زمینه را برای دورزدن تحریم‌ها فراهم کند.

۴- تهدیدها ناشی از خوانش امنیتی دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای

تضعیف موقعیت کنش‌گری: طبیعی است که روندهای تحول در بازار انرژی را غالباً دو دسته از کشورها به‌شکل حداکثری تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ کشورهای تولیدکننده یا دارنده نفت و کشورهای مصرف‌کننده یا واردکننده آن (Lehmann, 2017). تا وقتی ایران در دیپلماسی انرژی خود در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای با بازیگرانی مانند عربستان (به‌عنوان مهم‌ترین رقیب کشور در خاورمیانه) و امارت متحده عربی (به‌عنوان رقیب دیگر ایران) قرار دارد، حتی آمریکا نیز ناچار به دیپلماسی اقناعی با آنها، به‌ویژه عربستان، برای کاهش میزان تولید نفتش برای کاهش آسیب به صنعت انرژی و اقتصاد جهانی و نیز افزایش قیمت نفت است (Faucon, Said and Puko, April 12, 2020) و این امر نشان می‌دهد که موقعیت کنش‌گری ایران با تهدید بیرونی در حوزه دیپلماسی انرژی روبه‌روست.

موضوع تحریم‌ها و منابع درآمدی: کشورهای وابسته به منابع نفتی در یک وضعیت اقتصادی تاحدی راکد قرار دارند و هرگونه پویایی اقتصادی آن‌ها نیز به منابع درآمدی حاصل از انرژی وابسته است. این میزان از وابستگی، حجم و کارایی اقتصاد داخلی و خارجی یک کشور را به‌سهولت تحت تأثیر قرار می‌دهد و توانایی اقتصادی آن را به وضعیت بازار انرژی و درآمدهای ناشی از آن گره می‌زند (Hutt, 10 May 2016). در نتیجه، انرژی که شاه‌رگ اقتصادی جمهوری اسلامی است، با تلاش مضاعفی از سوی غرب تحریم می‌شود و آسیب به جایگاه انرژی جمهوری اسلامی به معنای آسیب به بخشی از قدرت دیپلماتیک آن در فضای بین‌المللی و منطقه‌ای است که به‌شدت به ابزار چانه‌زنی بر سر نفت وابسته بوده

¹ Set Off

است.

تشدید روندهای امنیتی‌سازی و کاهش دوره‌های زمانی میان دو بحران: از دید فرد هالیدی خاورمیانه به یک «سیستم مورد نفوذ واقع‌شده» بدل شده است و لایه‌هایی از بحران حل نشده دارد که سوژه‌ای برای نفوذ و مداخلات استثنایی از بیرون است و نمی‌تواند به‌طور کامل تابع یا جذب شود (Hinnebusch, 2003: 14). پس از ۲۰۰۳ مداخلات تشدید شده است (Painter, 2014). در این منطقه، بحران‌های عدیده‌ای در عین انباشت بر هم، لاینحل باقی مانده‌اند و رویکرد غالب بازیگران منطقه‌ای ایجاد الگوهایی از دوستی و دشمنی با استعانت از امنیتی‌سازی حوزه‌های بحران‌ساز میان کشورهای منطقه است. این وضعیت به یک تهدید آشکار برای سه بازیگر کلیدی مورد نظر در این نوشتار، یعنی ایران، عربستان و امارات بدل شده است و پیامدهای سنگین اقتصادی، امنیتی و سیاسی نیز برای جمهوری اسلامی به همراه داشته است. تضعیف توانایی حمایت از نیروهای نیابتی: مادامی که جمهوری اسلامی با فشار تحریمی ناشی از خروج آمریکا از برجام به‌عنوان بازیگر مسلط بر نظام بین‌المللی فعلی قرار گرفته و کاهش صادرات نفت این کشور به‌عنوان یک هدف اصلی مورد پیگیری آمریکا قرار گرفته است، این کشور هم‌زمان با قطع دسترسی به منابع مالی خارجی خود روبه‌رو شده است. کاهش قیمت شدید نفت در فضای اقتصاد سیاسی بین‌المللی نیز آخرین ضربه مهلک به منابع درآمدی ایران تاکنون بوده است که پیامدهای آن برای ایران به‌نسبت عربستان و امارات بسیار بیشتر است (Hagedorn, March 26, 2020 and USA Today, 16 April 2020)؛ بنابراین اکنون شبه‌نظامیان سوری که ایران آن‌ها را تجهیز و استخدام کرده است، شاهد کاهش حقوق‌شان هستند. نیروهای حزب‌الله که به‌عنوان نزدیک‌ترین متحد عرب ایران خدمت می‌کند، می‌گویند که چک‌های پرداخت‌شان را از دست داده و بخشی از توانایی خود را از دست داده‌اند (Hubbard, Mar 28, 2019). این امر با کاهش قیمت نفت، کاهش فروش آن و نیز ترویج ویروس کرونا تشدید شده است.

تضعیف روند کاهش وابستگی به نفت و پویایی منابع درآمدی: کاهش درآمدهای ناشی از منابع نفتی که در سال‌های اخیر به بحران دیپلماسی انرژی در خاورمیانه و موضوعی امنیتی میان کشورهای تولیدکننده و واردکننده و به‌ویژه سه کشور ایران با عربستان و امارات انجامیده است، زمینه را برای کاهش توانایی ایران در ایجاد بسترهای لازم برای کاهش وابستگی به نفت و پویایی منابع درآمدی فراهم آورده است. این امر حتی باعث افزایش هزینه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی شده است و سیاست خارجی کشور را در سطوح مختلف، به امری پرهزینه در عین کاهش منابع درآمدی آن بدل کرده است (Rafizadeh, March 12, 2020). حاصل این امر آن است که جمهوری اسلامی در این وضعیت، یارای پیگیری سیاست خارجی پیشین به‌شکل فعال نیست و حتی در پویایی منابع درآمدی نیز با مشکل حداکثری روبه‌روست.

۵- فرصت‌ها ناشی از خوانش امنیتی دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای

توانایی نمایش قدرت نظامی: در حوزه دیپلماسی انرژی بهره‌گیری از زور یا قدرت نظامی نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی در نظر گرفته شده است (صادقی و دیگران، ۱۳۹۷). موشک‌های بالستیک ایران یک مؤلفه اصلی بازدارنده استراتژیک کشور با توجه به دیپلماسی انرژی آن است. همچنین، با بهره‌مندی از موقعیت ژئواستراتژیک ایران در امتداد خلیج فارس و تنگه هرمز، قابلیت‌های دریایی لایه‌لایه‌ی ایران بر تاکتیک‌های نامتقارن با استفاده از سکوها و سلاح‌های بی

شماری که برای غلبه بر نیروی دریایی دشمن است، تأکید می‌کند. طیف گسترده‌ای از این قابلیت‌ها شامل موشک‌های کروز ضدکشتی و کشتی ساحلی، قایق‌های کوچک تندرو، مین‌های دریایی، زیردریایی‌ها، وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین، موشک‌های بالستیک ضدکشتی و دفاع هوایی است (US Department of Defense, NOV. 19, 2019). در عین حال، توانایی دیگر جمهوری اسلامی در منطقه جنوب و به‌ویژه تنگه هرمز، اقدامات پدافندی در برابر موشک‌های ضدکشتی با استفاده از توپ‌های شلیک سریع یا موشک‌های دفاع نقطه‌ای است (Barzegar, 2007: 7-8).

شکاف در لایه کشورهای عربی و بهره‌گیری از تنش‌های آنها: یکی دیگر از فرصت‌های دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی، وجود شکاف‌های درونی در میان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است. برای یک دهه است که شکاف‌های درونی شورای همکاری به‌شکل یک نهاد و نیز تنش‌های درونی منطقه خلیج فارس در میان شیخ‌نشین‌های آن در حال افزایش است و پس از بهار عربی و درنهایت از سال ۲۰۱۷ به این سو به اوج خود رسید. تحریم‌های عربستان، بحرین و امارات علیه قطر نقطه شگرفی در افزایش این شکاف‌ها بود (Ghosh, June 5, 2019) که جمهوری اسلامی به‌خوبی از آن به نفع تقویت روابط با قدرت استفاده کرد. در عین حال، بحران یمن نیز تاحدی عربستان و امارات را از همدیگر دور کرد (McKernan, 26 Mar 2020) که زمینه‌ساز تقویت روابط دیپلماتیک ایران و امارات بر سر موضوعات مبتلا به منطقه، به‌ویژه یمن بوده است. این شکاف‌ها، فرصت تنفس لازم برای دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی در مقابل عربستان را فراهم آورده است.

شکاف درونی امارات متحده عربی در برخورد با ایران: منافع شگرف ناشی از روابط اقتصادی میان دبی و ایران ازسویی و نیز تلاش دولت امارات برای ایجاد یک ساختار یک‌پارچه مواجهه با ایران، فرصت لازم را برای دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است (Sanderson, Jan 8, 2020). این شکاف موقعیتی است برای جمهوری اسلامی ایران که بتواند از آن به نفع اقتصاد سیاسی منطقه‌ای خود در بستر دیپلماسی انرژی استفاده کند.

۶- راهکارهای پیشنهادی

تبدیل دیپلماسی انرژی به یک دستورکار اصلی سیاست خارجی: در جمهوری اسلامی ایران تاکنون چیزی به نام دستورکار رسمی دیپلماسی انرژی در حوزه سیاست خارجی وجود نداشته است. ضرورت بهره‌مندی از یک دستورکار رسمی دیپلماسی انرژی در وزارت خارجه و تشویق اندیشمندان حوزه سیاست خارجی و انرژی و نیز جغرافیای سیاسی برای حضور فعال در این حوزه، برای مشاوره به تصمیم‌گیران کشور در دستگاه دیپلماسی کشور، گام کلیدی و ابتدایی در حوزه فهم دیپلماسی انرژی و اعمال آن در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است.

ایجاد میز مشترک دیپلماسی انرژی: دومین راه‌کار پیشنهادی کلیدی و عملیاتی در رسیدن به بهره‌گیری از دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای خاورمیانه در مقابل عربستان و امارات متحده عربی و نیز سیاست‌های ضدایرانی امریکا، ایجاد یک میز مشترک دیپلماسی انرژی از نمایندگان وزارت خارجه، وزارت نفت، وزارت اقتصاد، وزارت صنعت، معدن و تجارت و ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. این نیروها، مهم‌ترین بازیگران اقتصادی، سیاسی - امنیتی، نظامی در حوزه دیپلماسی انرژی ایران هستند.

تبدیل دستورکار دیپلماسی انرژی به یک مسئله یک‌پارچه نظام جمهوری اسلامی ایران: اتخاذ یک دستورکار رسمی درباره دیپلماسی انرژی و طرح یک میز مشترک برای آن، نیازمند بدل‌شدن دیپلماسی انرژی به یک مسئله یک‌پارچه در کلیت سپهر سیاسی حاکمیت و دولت جمهوری اسلامی است. در این وضعیت، مادامی که یک فهم مشترک از تهدیدها و فرصت‌های دیپلماسی انرژی وجود داشته باشد، هماهنگی لازم درباره زمینه‌ها، اصول، اهداف و کارکردهای دیپلماسی انرژی شکل می‌گیرد.

تمرکز بر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی: دیپلماسی انرژی فقط در اتکای شدید به منابع انرژی، درآمدهای آن و نیز تلاش برای ایجاد راه‌کارهای مختلف در تولید و فروش انرژی به شکل خام وابسته نیست. همچنین، دیپلماسی انرژی صرفاً محاسبه کنش‌ها و واکنش‌های امنیتی - نظامی به تحولات مرتبط با موضوع انرژی نیست. در عین توجه به همه این فاکتورها، اصل اساسی در موفقیت دیپلماسی انرژی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی ناشی از خام‌فروشی، تنوع‌بخشی به منابع درآمدی، توسعه زیرساخت‌های مختلف تولیدی و نیز تبدیل نفت به یک منبع ارزش افزوده در بخش صنعت و تولید است.

تقویت توانایی‌های تاکتیکی و راهبردی نظامی در کانون انرژی خلیج فارس: توانایی نظامی جمهوری اسلامی، که در وضعیت دیپلماسی انرژی در یک میز مشترک با نهادهای دیگر و در چارچوب یک دستورکار رسمی فراگیر با آنها حضور دارد، اهمیت خود را نمایان می‌کند. تقویت توانایی موشکی برای نمایش کنترل هوایی بر این منطقه اساس قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران است که عامل ترس همسایگان آن، به‌ویژه بازیگران خلیجی از ایران است.

برگزاری رزمایش‌های نظامی مشترک با چین و روسیه: حضور بازیگران و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه و خلیج فارس، به‌ویژه تشدید حضور ناوگان جدید حمایت از دریانوردی در خلیج فارس و تنگه هرمز به رهبری امریکا و حمایت اروپا، عامل برهم‌زننده موازنه داخلی در خلیج فارس، میان ایران و عربستان در وهله نخست و ایران و امارت و دیگر کشورهای و بازیگران حاضر در این زیر منطقه در مرحله بعدی است. در همین باره، جمهوری اسلامی به‌تنهایی قادر به ایجاد موازنه در مقابل این دو دسته بازیگران نیست و راه اصلی برقراری موازنه قدرت در کشیدن پای قدرت‌های دوست و نزدیک مانند چین و روسیه به خلیج فارس و برگزاری رزمایش نظامی با آنهاست.

بهره‌گیری از راه‌کارهای دورزدن تحریم‌ها: جمهوری اسلامی اینک در وضعیتی است که یافتن راه‌های غیرمرسوم برای دورزدن تحریم‌ها به یک الزام برای آن بدل شده است. البته چنان‌که گفته شد، این راه‌ها، هم تهدید است و هم فرصت. با این حال، در وضعیتی که ایران با واقعیتی به نام تحریم مواجه است، پس این راه‌ها نیز واقعیتی انکارناپذیر پیش روی جمهوری اسلامی هستند. از جمله راه‌کارهای دورزدن تحریم‌ها عبارت است از: تلاش برای اقناع بانک‌ها در کشورهای مختلف با پنهان‌سازی ارتباطات انتقال مالی‌شان با ایران؛ دادن رشوه به نهادهای خصوصی، بانک‌ها و نهادهای تجاری برای کمک به دورزدن تحریم‌ها؛ ایجاد شرکت‌های صوری برای دورزدن تحریم‌ها در کشورهای مختلف؛ اجاره پرچم کشورها برای دورزدن تحریم‌ها و کشتی‌رانی تجاری؛ بیمه کشتی‌ها توسط نهادهای داخلی؛ بهره‌گیری از نهادهای تجاری بین‌المللی، فرودگاه‌ها و بندرهای خصوصی و ترمینال‌ها؛ یافتن نهادهای تجاری و اقتصادی که ارتباطی با امریکا ندارند؛ بهره‌گیری از

روش تهاثر با کشورهای مختلف، به‌ویژه بازیگران منطقه‌ای؛ استفاده از سوآپ انرژی با کشورهای آسیای مرکزی و عراق.

۷- سناریوهای پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران

۷-۱ سناریوی نخست؛ تمرکز بر تهدیدها، رسیدن به رویکرد تعاملی در وضعیت اجبار و کاهش حوزه‌های امنیتی شده

درک حوزه‌های ناچیز تعامل و گستردگی تهدیدهای پیش‌روی ایران در این سناریو، کشور را به سمت تمرکز بر کاهش تهدیدها، با تأکید بر حوزه‌های تعامل با عربستان و امارات رهنمون می‌کند. این نیل به تعامل ناشی از اجبار در سنگینی وزنه تهدیدها نسبت به فرصت‌ها و نیز ضرورت پیگیری منافع حاصل از تعامل به‌جای تقابل است. مادامی‌که جمهوری اسلامی در چنبره بحران‌های مختلف مانده، تعامل اجباری و کاهش بار تهدیدها در این سناریو واقعیت محتوم آن است.

در این سناریو، وزن سنگین تهدیدها و چربیدن آن به فرصت‌ها در کوتاه و میان مدت، حتی اگر به شکل تاکتیکی نیز فرض شود، جمهوری اسلامی را به سمت تعامل بیشتر با فضای منطقه‌ای با تمرکز بر عربستان و امارات متحده عربی و تعامل با فضای بین‌المللی با تمرکز بر امریکا و اروپا خواهد کشید. این تعامل نتیجه محاسبه هزینه - فایده تداوم وضعیت جاری است که با ظهور نشانه‌هایی از احتمال فروپاشی نظام در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، کشور را به اتخاذ این سناریو ناچار می‌کند. در این سناریو حوزه‌های تعامل به دستورکار دیپلماسی انرژی بدل می‌شود و با تمرکز فعال و پویا بر این حوزه‌های تعامل از میزان و شمار و فشار تهدیدها کاسته خواهد شد. بدین معنا که تهدیدها به تدریج به فرصت بدل می‌شود و تقابل‌ها نیز با تأکید بر دیپلماسی تنش‌زدایی در حوزه دیپلماسی انرژی به تعامل تبدیل می‌شود.

در این سناریو، میزان قدرت مانور جمهوری اسلامی در حوزه دیپلماسی انرژی به واسطه فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی محدود فرض شده و تقابل و تهدید به‌عنوان عوامل منتج به فروپاشی نظام جمهوری اسلامی در میان و بلندمدت فرض شده است. حاصل این وضعیت، درگرایی جمهوری اسلامی در رفتار سیاست خارجی خود، با تأکید و تمرکز بر دیپلماسی انرژی، به‌منظور کاستن از حوزه‌های امنیتی شده در روابط ایران با عربستان و امارات، به‌عنوان دو بازیگر کلیدی در خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس، در حوزه دیپلماسی انرژی است. در این سناریو، ایران کنش‌پذیر و متأثر از فضای حاکم بر دیپلماسی انرژی در منطقه تصور شده است. عملیاتی‌شدن این سناریو چندان متحمل به نظر نمی‌رسد.

۷-۲ سناریوی دوم: تمرکز بر فرصت‌ها، رسیدن به رویکرد تقابلی و افزایش حوزه‌های امنیتی شده

براساس این سناریو، الزام در پذیرش محدودیت در فرصت‌ها با حجم زیاد تقابل‌ها به یک توازن رسیده است و زمینه را برای نیل به تشدید رویکرد تقابلی در مقابل عربستان و امارات در خاورمیانه فراهم می‌کند. بدین معنا که ناچیزبودن حوزه‌های فرصت، با گستردگی حوزه‌های تقابل به یک هم‌سنگی رسیده است و فرصت لازم را برای تداوم تقابل در حوزه‌های امنیتی‌شده به جمهوری اسلامی می‌دهد؛ زیرا جمهوری اسلامی کوتاه‌آمدن در وضعیت فعلی و تغییر رفتار خارجی را باعث شکست و آسیب سیاست خارجی خود می‌داند.

باتوجه به این، جمهوری اسلامی تداوم و بقای خود را در تداوم تنش با عربستان سعودی، تقابل با رویکردهای ضدایرانی آن و نیز تقویت جبهه مقاومت می‌داند. در این رویکرد، دیپلماسی انرژی می‌باید در خدمت منافع و اهداف ایدئولوژیک

قرار گیرد و به‌عنوان یکی از ابزارهای این آرمان ایفای نقش کند. بر همین اساس، چهار دهه تقابل و برخورد در این سناریو، زمینه تداوم رویکرد تقابلی با بهره‌گیری از توانایی‌ها و فرصت‌های موجود برای جمهوری اسلامی است. در نتیجه، جمهوری اسلامی در این سناریو خود را بازیگری دارای قدرت و نفوذ برای تداوم سیاست فعلی تصور می‌کند؛ اما با توجه به درهم‌تنیدگی مشکلات داخلی، تنش‌های منطقه‌ای و فشارهای بین‌المللی سال‌های اخیر بر جمهوری اسلامی، تداوم این رویکرد به خاورمیانه با محذوراتی روبه‌روست که سرانجام آسیب‌های زیادی برای کشور به بار خواهد آورد.

۷-۳ سناریوی سوم؛ سناریوی تلفیقی تعاملی - تقابلی با تمرکز و بهره‌گیری متوازن از فضای تهدید و فرصت

این سناریو ناشی از نداشتن کاربرد واقع‌بینانه هر یک از دو سناریوی پیشین برای رسیدن به یک رویکرد موقعیت‌محور با تمرکز بر توازن میان حوزه‌های تعامل و تقابل بر مبنای بهره‌گیری از تهدیدها - فرصت‌ها با توجه به رفتارهای امنیتی شده در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه از سوی ایران نسبت به خاورمیانه به شکل کلی و نیز عربستان و امارات نسبت به ایران و متقابلاً از سوی ایران نسبت به این کشورها به شکل خاص است. در عین حال، در این سناریو، به شکل منطقی راه‌کارهای ارائه شده درباره دورزدن تحریم‌های به شیوه‌هایی که گفته شد، به‌ویژه به شکل تهاوت و سوآپ در بخش دیپلماسی انرژی مورد پیگیری قرار می‌گیرد.

در این سناریو تصور می‌شود که ایران در حوزه فرصت‌ها دارای قدرت کنشی و تأثیرگذاری است و در حوزه‌های تهدید نیز واکنشی و تأثیرپذیر است؛ بنابراین تعامل این دو حوزه به یک رویکرد واقع‌بینانه و موقعیت‌مند می‌انجامد که در برخی حوزه‌ها ایران دست بالا را برای کنش داشته (حوزه‌های فرصت) و در برخی نیز ایران دست پایین (حوزه‌های تهدید) را دارد؛ بنابراین در یک وضعیت همواره در حال دگردیسی، جمهوری اسلامی می‌تواند بر چرخه‌هایی از امنیتی ساختن حوزه‌های مرتبط با دیپلماسی انرژی با عربستان و امارات متحده و خاورمیانه وارد شود که در برخی از آنها ایران نقش معناداری به موضوع امنیتی شده را دارد و در برخی حوزه‌ها نیز این عربستان و امارات هستند که تهدید را معنا می‌هند و برای ایران تعریف می‌کنند؛ بنابراین، تعامل و تقابل که اصل اساسی روابط بین‌الملل و نظام بین‌المللی است به‌عنوان سناریوی منطقی در حوزه دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی تعریف می‌شود.

۸- نتیجه‌گیری

در چارچوب مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای که بر زیرمنطقه خلیج فارس در این مقاله کاربست یافت، تلاش شد تا از نظر مؤلفه‌های نظری مورد نظر بوزان و ویور، خلیج فارس به‌عنوان یک مجموعه با ویژگی‌های کاملاً منطبق با مجموعه‌ها مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد. در نتیجه، ویژگی کلیدی امنیتی‌سازی در حوزه دیپلماسی انرژی ایران با کشورهای خلیج فارس، به‌ویژه عربستان و امارات متحده عربی، بیش از آنکه یک روند تعاملی باشد، ناشی از تقابل میان دو کشور با تمرکز بر بحث انرژی است.

در این میان، جمهوری اسلامی در موازنه میان تهدیدها و فرصت‌هایی که در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای با این کشورها دارد، وزنه لازم را برای مقابله با این کشورها داراست که بخشی از آنها ناشی از توانایی

ذاتی و بالقوه جمهوری اسلامی مانند دارابودن منابع شگرف، عضویت در اوپک به‌عنوان یک کشور کلیدی، کنترل نظامی بر تنگه هرمز، داشتن نیروهای نیابتی با کارکردهای چندوجهی، توانایی نظامی بالا و... است. برخی دیگر نیز ناشی از فهم هوشمند کشور از ضعف‌های طرف مقابل مانند آسیب‌پذیری عربستان و امارت در مقابل تهدیدهای نظامی، به‌ویژه در حوزه صنایع انرژی، شکاف درونی در امارات متحده عربی بر سر تعامل و تقابل با ایران و نیز ترس ذاتی دو کشور از واکنش متقابل سخت به رفتارهای ایران و گروه‌های مقاومت است؛ بنابراین فرضیه نوشتار که بر پیامدهای نگاه امنیتی سازی ایران با عربستان و امارات به موضوع دیپلماسی انرژی، تمرکز داشت و تأکید می‌کرد این پیامدها، زمینه‌ساز ایجاد روندهایی نامتوازن از بارشدن حجمی از وضعیت‌های تقابلی و تهدیدهای گسترده بر موقعیت‌های تعاملی و فرصت‌های محدود در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای بوده است، مورد تأیید قرار گرفته و در چارچوب موازنه تعامل و تقابل برای تبدیل تهدیدها به فرصت، باید مورد توجه و تجدیدنظر قرار گیرد.

در مقابل برخی ضعف‌های جمهوری اسلامی در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای بیش از آنکه ناشی از توانایی واکنشی عربستان و امارات متحده باشد، به تهدید ناشی از فضای بین‌المللی علیه ایران بازمی‌گردد که در صدر آن تهدید آمریکا علیه ایران، با اعمال تحریم علیه بخش انرژی آن مرتبط است؛ عربستان و امارات نه با توجه به توانایی اتکا به قدرت تقابلی خود، بلکه با وابستگی به ایران‌هراسی آمریکا و تحریم‌های آن علیه بخش انرژی جمهوری اسلامی، به امنیتی‌سازی حوزه‌های موضوعی دیپلماسی انرژی علیه ایران می‌پردازند.

در مجموع، با توجه به کارکردهایی که هریک از تهدیدها و فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی انرژی داراست، این نتیجه به دست می‌آید که این کشور ضروری است در چارچوب اصل موازنه تعامل - تقابل با این منطقه، دیپلماسی انرژی خود را پیگیری کند تا ضمن کنارزدن حوزه‌های امنیتی‌ساز زیان‌بخش برای خود، بر حوزه‌های فرصت بیفزاید.

منابع

۱. ابریشمی، حمید؛ بهرام‌مهر، نفیسه؛ طهماسبی، نرگس (زمستان ۱۳۹۷)، «ارزش‌گذاری قراردادهای سوآپ نفت خام ایران با کشورهای حاشیه دریای خزر با رویکرد مشتقات مالی»، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۳، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۲۵.
۲. آدمی، علی؛ نظریان، ابوذر (۱۳۹۴)، «بررسی جایگاه انرژی دریای مازندران و خطوط انتقال آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه تخصصی علمی ترویجی فرآیند نو، شماره ۵۲.
۳. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸)، «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰.
۴. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای ۱۹۹۱-۲۰۰۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۵. عالیشاهی، عبدالرضا؛ سالاروند، معصومه (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶»، مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، دوره ۳، شماره ۹.
۶. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره سوم.
۷. قهرمان پور، رحمن (۱۳۹۷)، «انرژی؛ پل استراتژیک تهران-آنکارا»، مجله دیپلماسی انرژی، شماره یازدهم.
۸. کوزه‌گر کالجی، ولی؛ داداندیش، پروین (۱۳۸۹)، «بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶.
۹. مادسن، جولیان (۱۳۸۶)، جایگاه ایران در محاسبات استراتژیک چین، ترجمه علی حسین‌زاده، تهران: مرکز پژوهش‌های خلیج فارس.
۱۰. مجله دیپلماسی انرژی (آبان ۱۳۹۷)، گفت‌وگو با فریدون برکشلی؛ رئیس گروه مطالعات انرژی وین، مجله دیپلماسی انرژی، شماره یازدهم.
۱۱. معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، ذیل واژه، تهران.
۱۲. مورگنتا، هانس، جی (۱۳۷۴)، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۳. هاشمی، فاطمه (۱۳۹۰)، «امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و ساز و کارها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول.
۱۴. رادیو فردا (۲۲ بهمن ۱۳۹۷)، تلاش جدید دولت ایران برای دادوستد پایاپای با هدف فرار از تحریم، قابل دسترس در: <https://www.radiofarda.com/a/iran-ministry-barter-rule/29765358.html>
۱۵. قاسمی، سپیده (۳ مهر ۱۳۹۷)، معامله پایاپای به‌جای معامله با دلار، خبرگزاری اقتصاد آنلاین، قابل دسترس در: <https://www.eghtesadonline.com/305281>
۱۶. دیپلماسی ایرانی (۳۰ مرداد ۱۳۹۱)، ۱۶ راه ایران برای دورزدن تحریم‌ها، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1905713/16>

- Aljazeera (2019), *Saudi oil attack: All the latest updates*. At: <https://www.aljazeera.com/news/2019/09/saudi-oil-attacks-latest-updates-190916-028-00973.html>
- Annex, D. (2019), *Financial Industry Business Ontology, Derivatives, EDM Council, Inc, Object Management Group*.
- Barzegar, K. (2007). Iran, new Iraq and the Persian Gulf political-security architecture. *The Iranian Journal of International Affairs Vol. XX*, (1), 08.
- Barry, B. (1991). *People, states and fear: An agenda for international security studies in the post-Cold War era*. Dorchester: Pearson-Longman.

- Bethan, Mc., K. (2020), *Clashing UAE and Saudi interests are keeping the Yemen conflict alive*, The Guardian. At: <https://www.theguardian.com/world/2020/mar/26/clashing-uae-and-saudi-interests-are-keeping-the-yemen-conflict-alive>
- Buzan, B., Buzan, B. G., W'ver, O., Waever, O., & Buzan, O. W. B. (2003). *Regions and powers: the structure of international security* (No. 91). Cambridge University Press.
- Calder, S. (2020). Is Dubai Safe? Latest travel advice for Middle East as Iran tensions escalate, Independent. At: <https://www.independent.co.uk/travel/news-and-advice/dubai-travel-advice-uae-iran-safe-travel-risk-foreign-office-abu-dhabi-a9270996.html>
- Cafiero, G., & Karasik, T. (2017). Kuwait, Oman, and the Qatar crisis. *Middle East Institute*, <http://www.mei.edu/content/article/kuwait-oman-and-qatar-crisis> (28.05. 2018).
- Chatterjee, S., & Mukherjee, M. Cambridge Forecast Group Blog.
- DiPaola, A. (2019), *Saudi Aramco Says Damage from Drone Attacks That Plunged World Oil Market Into Chaos Is Already Fixed*, Fortune. At: <https://fortune.com/2019/10/14/saudi-aramco-oil-drone-attacks-damage-fixed/>
- Fulton, L. M., Jaffe, A., & McDonald, Z. (2019). Internal combustion engine bans and global oil use.
- Gupta, M. (2010). Indian Ocean Region. In *Indian Ocean Region* (pp. 49-68). Springer, New York, NY.
- Haaretz (2019), *Explained Attack on Saudi Oil Infrastructure 'Serious Escalation' in Proxy War with Iran*. At: <https://www.haaretz.com/middle-east-news/attack-on-saudi-oil-infrastructure-serious-escalation-in-proxy-war-with-iran-1.7843934>
- Han, J., & Hakimian, H. (2019). The Regional Security Complex in the Persian Gulf: The Contours of Iran's GCC Policy. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 13(4), 493-508.
- Hameed, S. (2020). India's Oil Imports from the US: How Beneficial Are They?. *Strategic Analysis*, 1-14.
- Hubbard, B. (2019). Iran's Allies Feel the Pain of American Sanctions. *The New York Times*.
- Haynes, S. (2019). *The Strait of Hormuz Is at the Center of Iran Tensions Again. Here's How the Narrow Waterway Gained Wide Importance*. Time. (<https://time.com/5632388/strait-of-Hormoz-Iran>)
- Hinnebusch, R. (2003). *The international politics of the Middle East*. Manchester University Press.
- Hutt, R. (2016, May). Which economies are most reliant on oil? In *World Economic Forum* (Vol. 10).
- Jordan, B. D., & Ross, S. A. (2010). *Fundamentals of corporate finance*. McGraw-Hill/Irwin.
- Lehmann, T. C. (Ed.). (2017). *The geopolitics of global energy: the new cost of plenty* (pp. 1-283). Lynne Rienner Publishers.
- Letzing, J. (2019), *Why is the Strait of Hormuz so important?* *World Economic Forum*. At: <https://www.weforum.org/agenda/2019/07/why-is-the-strait-of-hormuz-so-important/>
- Miles, O. (2015). Is Saudi Arabia's Anti-Terrorist Alliance Real?. *The Guardian*.
- Painter, D. S. (2014). Oil and geopolitics: The oil crises of the 1970s and the cold war. *Historical Social Research/Historische Sozialforschung*, 186-208.
- Parameswaran, P. (2020), *Malaysia-Iran Relations: Rising Middle East Tensions Risk Complicating Pakatan Harapan's Foreign Policy Balancing Act*, *the Diplomat*. At: <https://thediplomat.com/2020/01/malaysia-iran-relations-rising-middle-east-tensions-risk-complicating-pakatan-harapans-foreign-policy-balancing-act/>
- Rafizadeh, M. (2014). *The syrian civil war: Four concentric forces of tensions*. At: <https://www.arabnews.com/node/1640546>

- Reed, St. (2020), *Why Oil Prices Are Up Only Modestly Since the Suleimani Killing*, The New York Times. At: <https://www.nytimes.com/2020/01/07/business/energy-environment/iran-oil-soleimani.html>
- Reuters (2018), *Iraq to export Kirkuk oil to Iran before end-January: Iraqi oil minister*. At: <https://www.reuters.com/article/us-iran-iraq-oil/iraq-to-export-kirkuk-oil-to-iran-before-end-january-iraqi-oil-minister-idUSKBN1EW08K>
- Risch, A. C., Zimmermann, S., Moser, B., Schütz, M., Hagedorn, F., Firm, J., ... & Ochoa Hueso, R. (2020). Global impacts of fertilization and herbivore removal on soil net nitrogen mineralization are modulated by local climate and soil properties. *Global change biology*, 26(12), 7173-7185.
- Sanderson, D. (2020), *What rising US-Iran tensions mean for residents of the UAE*, The National. At: <https://www.thenational.ae/uae/what-rising-us-iran-tensions-mean-for-residents-of-the-uae-1.961564>
- Toumi, H., & Chief, Bureau (2016), *Islamic military coalition holds first meeting in Riyadh*, Gulf News. From: <https://gulfnews.com/world/gulf/saudi/islamic-military-coalition-holds-first-meeting-in-riyadh-1.1698994>
- USA Today (2020), *amid coronavirus pandemic, why is Donald Trump trying to push up fuel prices?* At: <https://www.usatoday.com/story/opinion/todaysdebate/2020/04/16/coronavirus-crisis-why-donald-trump-increase-oil-prices-editorials-debates/2990544001/>

Opportunities, Threats and Solutions Facing the Energy Diplomacy of the Islamic Republic of Iran on Regional Political Economy (2003-2019)

Reza Shahnazi zadeh¹ Garineh Keshishyan Siraki² Hassan Khodaverdi³ Mohammadreza Dehshiri⁴

¹ Ph.D. student, Department of International Relations, Islamic Azad University, Kish Island, Iran

² Associate professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran

³ Associate professor, Department of Political science and International Relations, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran

⁴ Member of the Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs of Iran

Received: 2019.8.26

Accepted: 2020.2.25

Abstract

Energy and its importance and role in diplomacy are invisible. According to the main issue of this article, Iran's relations with Saudi Arabia and the United Arab Emirates, as a case in point, look at the role of diplomacy in securing energy in the context of regional political economy. "What is energy diplomacy in the context of a regional political economy with a focus on threats and opportunities?" Accordingly, the paper hypothesizes that "the implications of Iran's security-building relationship with Saudi Arabia and the UAE on energy diplomacy in the Middle East set the stage for unbalanced trends in the volume of confrontation and widespread threats to interactive situations and limited opportunities. "The field of energy diplomacy has been in the context of regional political economy, which in the face of sanctions and economic pressure has led the

Islamic Republic of Iran to use strategies such as purity and swap to circumvent sanctions. The paper's findings also show that Iran's relations with the Middle East, as well as traces of interaction between 2003 and 2019, are often based on a confrontation between the two sides. In this paper, descriptive-analytical method has been used by referring to the first category of library resources.

Keywords: Diplomacy, energy, Energy diplomacy, the Middle East, Security-building

